

متن پرسش

السلام علیکم و رحمت الله: عطار در تذکره اولیا در احوال امام شافعی چنین آورده است: نقل است که یک‌بار در میان درس ده بار برخاست و بنشست. گفتند: چه حال است؟ گفت: علوی زاده‌ای بر در بازی می‌کند. هربار که در برابر من آید، حرمت او را بر می‌خیزم که روا نبود فرزند رسول فراز آید و برنخیزی. حال سوال این است که با چنین نمونه‌هایی که تعداد آن‌ها هم کم نیست آیا پذیرش دیدگاه مشهور درباره‌ی عناد ائمه‌ی چهارگانه‌ی اهل سنت اندکی دشوار نمی‌نماید؟ ایراد مشهور این است که چرا اینان در جایی که صادقین علیهماالسلام حضور دارند برای خود کرسی درس راه انداخته و به نوعی در کنار ائمه دکانی برای خود گشوده‌اند و حال آن‌که با بررسی اوضاع سیاسی اجتماعی آن زمان روشن می‌شود که مقام واقعی آن حضرات معصوم حتی برای خواص ایشان نامعلوم بود چنان که هنوز هم چنین است چه رسد به امثال حسن بصری و نعمان ابن ثابت که اهل فقه بودند و حدیث، و چه رسد به مثل مالک ابن انس که حتی با کلام و استدلال نیز میانه‌ی خوبی نداشت. به نظر می‌رسد نگاه اینان به ائمه را می‌توان با نگاه فلان فقیه مشهور امروزی به حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مقایسه کرد که در عین احترام به ایشان برای نظر خود نیز وجهی قائل است آنان ائمه را فرزندان پاک و عالم رسول الله می‌دانستند اما از فهم این‌که اینان امام مفترض الطاعه هستند در استضعاف به‌سر می‌بردند. یا علی.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: از این‌که جریان‌های مشکوک شکاف و شقاقی این‌چنین در بین ما و اهل سنت ایجاد کردند نباید شک به خود راه داد، ولی عنایت داشته باشید نور اسلام وقتی ظهور می‌کند که نظامی اسلامی در صحنه آید و چنین نظامی با امامی معصوم و یا فرهنگ امام معصوم محقق می‌شود که برگشت به غدیر دارد و همچنان که در جواب سؤال ۶۱۴۰ عرض کردم ما برای عبور از تمدن ظلمانی غرب نیاز به نظامی داریم که دین اسلام با قرائتی که انسان‌های معصوم مبین آن هستند بر آن حاکم باشد و از این جهت با اهل سنت متفاوت فکر می‌کنیم نه در خوبی و قابل احترام بودن اهل‌البیت «علیهم‌السلام» ولی با این‌همه هرگز جایی برای تقابل با برادران اهل سنت نیست. موفق باشید